

# بالاخره مشت آمارسازان باز شدنی است

بارها در رابطه با آمارسازی در ورزش سخن گفته اند. آمارسازی بیشتر توسط کسانی که از نظر کارنامه و عملکرد روسپاه هستند صورت می گیرد.

به دروغ حرف زدن و دم از موفقیت ها زدن نمی تواند تأثیر مستقیم و سرنوشت سازی در آینده مسئولان داشته باشد. نگاهی کوتاه به سرنوشت دست اندرکارانی که به جز حرف زدن و مانور دادن کار دیگری نداشته اند انسان را به درس آموزی از تاریخ فرا می خواند.

ارائه آمارهای ساختگی و دور از واقعیت، علتی جز از آینده ندارد. وقتی چیزی در دنیای واقعیت برای ارائه و دفاع از کارنامه وجود نداشته باشد تلاش ها برای نوشتن سناریو جدیدی که از اول تا آخرش سؤال برانگیز و غیرواقعی باشد آغاز می شود.

آمارسازان از ترس متزلزل شدن موقعیت و از دست دادن میز ریاست مدام در فکر و اندیشه چگونگی فرار رو به جلو هستند. آنها غافل از آن هستند که مردم و افکار عمومی را در دراز مدت نمی توانند فریب بدهند. هرچقدر که زرنگ باشند و به هر میزانی که خود را تئورسین در جلب رضایت مجموعه ای به حساب آورند در نهایت روزی باید جوابگو باشند.

فرار از یک گوشه ای به گوشه دیگر، دست آویز قرار دادن دوستان و آشنایان و سینه زدن زیر پرچم بحث های قومی و تعصب های کور هیچ کدام وقتی روز مقرر برسد نمی توانند چاره ساز بشوند.

تلاش و برنامه ریزی کسانی که می خواهند از توجه به واقعیت ها خودداری نمایند و با آویزان شدن از بعضی از چهره ها برای خود حاشیه امن ایجاد بکنند آدم را به یاد داستانی می اندازد که در زمان حضرت سلیمان روی داده است. می گویند تاجری به نزد حضرت آمد و گفت: امروز عزرائیل را دیدم که با غضب به من نگاه می کرد. بیم دارم که جانم را بستاند. تو که پیامبری و توان معجزه داری، مرا در طرفه العینی به جزیره های دوردست در هندوستان منتقل کن تا از گزند عزرائیل در امان باشم.

حضرت پذیرفت و او را به هندوستان فرستاد. اندکی بعد عزرائیل نزد حضرت سلیمان شرفیاب شد. حضرت گفت: چرا به فلان تاجر با غضب نگرستی، او از ترس تو به هندوستان رفت. عزرائیل گفت: عجب! نگاه من نه از روی غضب که از روی تعجب بود. قرار بود امروز من در هندوستان جان او را بگیرم. وقتی دیدم اینجا در یمن است، خیلی شگفت زده شدم! اما وقتی در ساعت مقرر در هندوستان ظاهر شدم دیدم همانجاست و جانش را ستاندم. مسئولینی که آمارسازی، اصلی ترین، مهم ترین و بدیهی ترین اقداماتشان را تشکیل می دهد بدانند که وقتی مشت شان در نزد افکار عمومی باز شود دیگر فلان مقام مسئول و یا حامیان کوچک و بزرگ قادر به حفظ موقعیت آنها نخواهند بود.